

تحلیل معنایی و تفسیری عبارت «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا»

در آیه ۴۲ سوره زمر

مریم باهو^۱

چکیده

این مقاله به بررسی مفهوم علمی عبارت "...يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا..." در آیه ۴۲ سوره زمر می‌پردازد و تلاش می‌کند تا مفهوم عمیق مرگ و حیات را در پرتو آموزه‌های قرآن کریم تبیین نماید. در ابتدا به تحلیل لغوی و معنایی واژه‌ها و عبارات موجود در این آیه پرداخته می‌شود تا درک بهتری از مفهوم توفی و ارتباط آن با مرگ و حیات حاصل شود. سپس تأثیر این مفهوم بر نگرش‌های اسلامی نسبت به مرگ و زندگی بررسی می‌شود و به نقش خداوند به عنوان خالق و مدبر حیات انسان‌ها اشاره می‌گردد. در ادامه به تفسیرهای مختلف مفسران و اندیشمندان اسلامی در مورد این آیه پرداخته می‌شود و ارتباط آن با مباحثی چون تقدیر، اختیار انسان و زندگی پس از مرگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله در نهایت به این نتیجه می‌رسد که درک صحیح از قدرت پروردگار در قبض روح و زنده ساختن دوباره آن در خواب و بیداری می‌تواند نشانه‌ای از قدرت خداوند برای متفکران بوده و به تقویت ایمان و آرامش روحی انسان‌ها در مواجهه با مرگ و تحولات زندگی کمک شایانی نماید. کلمات کلیدی: الله، يتوفى، الأنفس، آیه ۴۲ سوره زمر، خواب، روح، مرگ و حیات، نفس.

۱. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها، bahoo2021192@gmail.com

مقدمه

موضوع "نفس" و رابطه آن با "مرگ و خواب" یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال پرچالش‌ترین مباحث در تفکر دینی و فلسفی بوده است. قرآن کریم، به‌عنوان منبعی موثق که به شرح جزئیات زندگی انسانی و پیوند آن با عالم غیب می‌پردازد، به دفعات درباره‌ی نفس، روح، مرگ، و حیات پس از مرگ و موضوعات مرتبط با آن‌ها اشاره کرده است. آیه ۴۲ سوره زمر یکی از آیات کلیدی در این زمینه است که خداوند متعال در آن چنین می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا^۱؛ و خداست که روح (مردم) را هنگام مرگشان به طور کامل می‌گیرد و روحی را که (صاحبش) نمرده است نیز به هنگام خوابش (می‌گیرد).» یعنی خداوند نفس‌ها را در هنگام مرگ و همچنین در خواب، توفی می‌کند. این آیه به وضوح از مفهومی سخن می‌گوید که به نظر می‌رسد نفس و روح را در شرایط متفاوت از یکدیگر جدا می‌کند و چالش‌هایی در فهم معنای دقیق این مفاهیم ایجاد می‌کند. مفهوم "توفی" در این آیه به معنای "گرفتن کامل" است، یعنی خداوند جان‌ها را می‌گیرد که این گرفتن کامل و تمام هم در مورد مرگ با عبارت "حین موتها" و هم در مورد خواب با عبارت "فی منامها" به کار رفته است. به این ترتیب "خواب" برادر "مرگ" است و شکل ضعیف‌تری از آن. با توجه به این کاربرد این سوال مطرح است که آیا "نفس" و "روح" یکی هستند یا دو امر جدا و مستقل؟ اگر امری واحد هستند، چرا بدن انسان در حالت خواب با وجود توفی نفس همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد؟ و اگر دو امر جدا هستند، چرا آیه‌ی شریفه برای هر دو حالت خواب و مرگ، فقط از واژه "نفس" استفاده کرده است؟ موضوع نفس و توفی در قرآن کریم از جمله مباحث مهم مورد توجه مفسران و متفکران اسلامی است. در این مقاله به موضوع تحلیل معنایی و تفسیری عبارت «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا» در آیه ۴۲ سوره زمر پرداخته شده است. پیش از این پژوهش، آثار بسیاری در باب نفس و روح نگاشته شده است. همچون کتاب «زندگی جاوید یا حیات اخروی» از «شهید مرتضی مطهری» که نویسنده پس از ارائه‌ی مقدمه‌ای از ارکان جهان‌بینی اسلامی به بیان اصول می‌پردازد که یکی از این اصول ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی است. کتاب «مرگ و برزخ از دیدگاه قرآن و حدیث» به قلم «مهدی امین» در یکی از فصول

۱. زمره: ۴۲.

به مرگ و زندگی در آیات قرآن اشاره نموده است. کتاب «حیات و زندگی در قرآن کریم و ادعیه و سخنان بزرگان» نوشته «محمد مسعود بهمنی» و «یحیی بهمنی» به بیان یکی از اسماء الهی صفت «حی» پرداخته است. آثار دیگری نیز در قالب کتاب یا مقاله منتشر شده‌اند که مجال بازپژوهی تمامی آنان در این نوشتار نیست. ولی نتیجه بررسی این است که این مقالات و آثار، به طور مستقل به مسأله‌ی پژوهش حاضر نپرداخته‌اند و چنین رویکردی در تألیفات فوق دیده نشده است. همین امر، ضرورت بیشتری برای پرداختن به موضوع حاضر را سبب گردیده است. پژوهشگر درصدد پاسخ به این سوال که "نفس" در عبارت "یتوفی الأَنْفُس" آیه ۴۲ سوره زمر به چه معناست؟، می‌باشد.

مفهوم شناسی

توفی: کلمه "توفی" از ریشه ثلاثی مجرد "وفی" و ریشه "وفاة" گرفته شده است که به معانی مختلفی نظیر "تمام شدن"، "پایان یافتن" و "کمال یافتن" اشاره دارد. این واژه در مواردی نظیر پایان یافتن مدت، رسیدن به نتیجه نهایی یا گرفتن کامل چیزی به کار می‌رود.^۱ در قرآن، این واژه در زمینه‌هایی همچون مرگ، خواب، و اتمام دوره‌ای خاص به کار می‌رود. توفی به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل به ویژه گرفتن روح از بدن در هنگام مرگ است. در زبان عربی "توفی" به معنای گرفتن کامل و دریافت تمام و کمال چیزی است.^۲ در قرآن کریم نیز به معنای گرفتن کامل، دریافت تمام و کمال چیزی و مرگ به کار می‌رود که در ادامه به مؤیدات قرآنی آن اشاره می‌شود.

۱. **توفی به معنای مرگ:** این کاربرد بیشترین فراوانی را در قرآن دارد و به معنای گرفتن کامل روح از بدن و پایان یافتن حیات دنیوی است. برای مثال، در آیه ۴۲ سوره زمر، خداوند می‌فرماید که ارواح را به هنگام مرگشان قبض می‌کند: "اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا". این نشان‌دهنده پایان کامل زندگی دنیوی و ورود به مرحله بعدی حیات است.^۳

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۵۲.

۲. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۳. شاه‌عبدالعظیم تفسیر اثنی‌عشری، ج ۱۱، ص ۲۴۹.

۲. **توقی به معنای پایان یافتن دوره یا مدت:** در برخی از آیات، توقی به معنای پایان یافتن یک دوره یا مدت زمانی خاص به کار رفته است. برای مثال، در آیه ۲۳۴ سوره بقره^۱ به پایان یافتن دوره عده زنان بعد از مرگ همسران اشاره شده است.

۳. **توقی به معنای وصول به مقصد:** این معنا در برخی از آیات به معنای رسیدن به مقصد نهایی است، مانند آیه ۶۰ سوره انعام^۲ که به بازگشت روح به سوی خدا اشاره دارد.

نفس: کلمه "نفس" در قرآن کریم به معانی مختلفی نظیر "روح"، "ذات"، و "شخص" به کار رفته است. این تنوع در معنای نفس نشان‌دهنده پیچیدگی و چندلایگی این مفهوم در قرآن است و نقش مهمی در درک ماهیت انسان و ارتباط او با خداوند دارد که شاهد مثال آن در ذیل آمده است. واژه "نفس" در قرآن به مصادیق متعددی اشاره دارد که نشان‌دهنده گستردگی مفهوم این واژه است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

یکی از رایج‌ترین معانی "نفس" در قرآن، اشاره به روح یا جان انسان است. در این معنا، نفس به عنوان مبدأ حیات و آگاهی انسان شناخته می‌شود.^۳ اما در بسیاری از آیات، نفس به معنای خود انسان یا وجود او و در برخی دیگر از آیات اصطلاحاً به مجموعه‌ای از قوای درونی انسان گفته شده است که شامل عقل، شهوت و غضب می‌باشد. در برخی آیات، نفس به معنای خود یا ذات انسان به کار رفته است. به عنوان مثال، در آیه ۵۳ سوره یوسف آمده است "وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي"، که به معنای آن است که خود را تبرئه نمی‌کنم.

"نفس" در اصطلاح، به معانی قوای نفسانی؛ به معنای مجموعه‌ای از قوای درونی انسان به کار می‌رود که می‌تواند انسان را به سمت خیر یا شر هدایت کند. این قوا شامل عقل، شهوت و غضب است که هر کدام نقش مهمی در زندگی انسان ایفا می‌کنند. همچنین به معنای نفس لواحه و مطمئنه

۱. وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

۲. وَهُوَ الَّذِي يَتَوَقَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ۚ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ ۖ أَجَلٌ مُّسَمًّى ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

۳. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۵۱-۴۰۹.

همان نفس سرزنشگر و نفس آرام و مطمئن معرفی شده‌اند. نفس لواحه فرد را به خاطر اشتباهاتش سرزنش می‌کند و نفس مطمئنه نفسی است که در آرامش و اطمینان به خداوند قرار دارد. آیه ۴۲ سوره زمر با بیان "اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا"، مفهوم توفی نفس را در دو موقعیت مرگ و خواب به کار برده است. این امر، به دلیل کاربرد مشترک مفهوم توفی در دو حالت مختلف، سوالات و چالش‌های تفسیری را ایجاد می‌کند که نیاز به بررسی دقیق و تحلیل دارد.

تحلیل تفسیری

برای رسیدن به تفسیری جامع و مستدل از این آیه، بررسی همه‌جانبه‌ای نیازمند است که شامل تحلیل لغوی، بررسی آیات مرتبط، و توجه به مشاهدات تجربی و یافته‌های علمی است. این رویکرد، کمک می‌کند تا تفسیری روشن و دقیق از آیه ارائه شود که هم با مفاهیم دینی سازگار باشد و هم با مشاهدات علمی در تضاد نباشد.^۱ خداوند در آیه ۴۲ سوره مبارکه زمر فرموده است: "اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمَ سَكُ الْاَلَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا اَلْ مَوْتِ وَيُرْسِلُ اِلْ اٰخِرَىٰ اِلَىٰ اَجَلٍ مُّسَمًّى اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُوْنَ: خداوند جان‌ها را به هنگام مرگشان به تمامی می‌گیرد؛ و نیز جان کسانی را که نمرده‌اند، در [هنگام] خوابشان. پس آنهایی را که فرمان مرگشان را صادر کرده، نگاه می‌دارد و دیگران را تا سرآمد معینی رها می‌کند. به یقین در این [کار] برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [از عظمت و تدبیر الهی] است."^۲

مفسران در این آیه شریفه به تبیین نکاتی به شرح زیر پرداخته‌اند:

۱. "یتوفی:" فعل از ریشه "وفاه" به معنای تمام شدن و گرفتن کامل است. در این

آیه، به معنای گرفتن کامل روح از بدن استفاده شده است، هم در مرگ و هم در خواب.

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۵۱-۴۰۹.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۴۰۱.

چالش فهم چگونگی توفی در خواب و مرگ

تضاد ظاهری میان توفی نفس در خواب و مشاهدات تجربی ما از وضعیت بدن در خواب چالش دیگری است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. بدن در خواب همچنان به فعالیت‌های حیاتی خود ادامه می‌دهد، این در حالی است که آیه بیان می‌کند خداوند نفس را در خواب می‌گیرد. این تضاد باعث شده تا برخی مفسران توفی در خواب را به معنای جدایی موقت نفس تعبیر کنند که بدون قطع کامل از بدن صورت می‌گیرد.^۱

- **توفی در خواب:** توفی در خواب به معنای جدا شدن موقت نفس از بدن است که در نتیجه آن، هوشیاری انسان از بین می‌رود ولی حیات بدن به صورت طبیعی ادامه می‌یابد. این جدایی موقت بوده و با بیداری، نفس به بدن بازمی‌گردد. بنابراین، خواب به عنوان حالتی مشابه مرگ، اما بازگشت‌پذیر توصیف شده است.
- **توفی در مرگ:** در این حالت، توفی به معنای گرفتن کامل روح از بدن است که به معنای پایان کامل حیات دنیوی است و روح به عالم برزخ منتقل می‌شود. در این حالت، هیچ گونه بازگشتی وجود ندارد و فرد به طور کامل از دنیای مادی جدا می‌شود.

الف) ارتباط و شباهت توفی در خواب و مرگ

در هر دو حالت، فاعل اصلی توفی خداوند متعال است. این امر نشان‌دهنده قدرت و اراده کامل او در کنترل و نظارت بر جان‌ها و نفوس است. علاوه بر این، در هر دو حالت، "انفس" به عنوان مفعول توفی ذکر شده است که نشان‌دهنده بخشی از وجود انسان است که از بدن جدا می‌شود. درک این امر که در هر دو موقعیت، چیزی از وجود انسان گرفته می‌شود که برای ادامه حیات و آگاهی ضروری است، یکی دیگر از وجوه تشابه بین مرگ و خواب است.^۲

ب) تعارض و تفاوت توفی در خواب و مرگ

یکی از تفاوت‌های مهم میان این دو وضعیت، بازگشت‌پذیری در خواب و غیرقابل بازگشت بودن در مرگ است. در مرگ، توفی نفس قطعی است و فرد به عالم برزخ منتقل می‌شود؛ در حالی که در

۱. مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۱۲۲ و ۲۲۱.

۲. همان.

خواب، توفی موقت است و پس از بیداری نفس به بدن بازمی‌گردد. تفاوت دیگر، مربوط به وضعیت بدن است. در خواب، بدن به فعالیت‌های حیاتی مانند تنفس و ضربان قلب ادامه می‌دهد، اما در مرگ، تمامی فعالیت‌های بدنی متوقف می‌شود و بدن تجزیه می‌شود. این تفاوت‌ها، نشان می‌دهد که در خواب، هنوز عاملی در بدن وجود دارد که به حفظ فعالیت‌های حیاتی کمک می‌کند، در حالی که در مرگ این عامل نیز از بدن خارج می‌شود.^۱

در حقیقت این آیه مبین نوعی تشابه و تفاوت توفی در مرگ و خواب است. در هر دو حالت، نفس از بدن جدا می‌شود، اما در مرگ این جدایی دائمی و در خواب موقت است. شاید در اینجا نیز این سؤال مطرح شود که هنگام مرگ روح جدا شده از بدن جدا به کجا می‌رود؟ محسن قرائتی در بخش برزخ از کتاب معاد خود به این موضوع اشاره کرده که هنگام مرگ، روح به بدنی مثل همین بدن که نامش قالب مثالی است ملحق و در برزخ با آن بدن، کامیاب یا عذاب می‌شود و در خواب نیز، روح با همان بدن سبک و قالب مثالی رؤیا می‌بیند و به اطراف می‌رود. جسم انسان در حکم یک اتومبیل و روح در حکم راننده‌ی آن است؛ گاهی هم ماشین روشن است و هم راننده پشت فرمان، که این، حالت بیداری است. گاهی ماشین روشن است ولی راننده پیاده می‌شود و می‌رود که این حالت خواب است. زیرا قلب و معده و کلیه کار می‌کنند ولی روح جدا می‌شود و به بدنی مشابه ملحق شده و به اطراف می‌رود. این همان بدنی است که ما در رؤیاهای خود با آن سیر و سفر می‌کنیم و قالب مثالی نام گذاری شده و به قدری سبک و چابک است که بدون واسطه می‌تواند در آسمان‌ها پرواز و در اقیانوس‌ها شنا و در یک لحظه به اطراف دنیا برود. گاهی هم ماشین خاموش و هم راننده جدا می‌شود که این حالت مرگ است.

در نتیجه مرگ قطعی و غیرقابل بازگشت است، در حالی که خواب حالتی موقت و بازگشت‌پذیر دارد که نفس پس از آن به بدن بازمی‌گردد. در پایان گفته‌اند که این آیه انسان را به تفکر و تأمل در پدیده‌های مرگ و خواب دعوت می‌کند، تا از این طریق به عظمت و تدبیر الهی پی ببرند.^۲

۱. مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۲۲۱ و ۲۲۱.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۹۸.

تحلیل و بررسی

شواهد قرآنی	شواهد عقلی	شواهد روایی	ردیه
دیدگاه اول: نفس و روح یکی هستند. واژه نفس و روح بجای هم بکار رفتند در آیات ۲۹ و ۸۵ سوره اسرا، هیچ قرینه ای وجود ندارد که نفس و روح دو چیز متفاوتند.	با اصل سادگی و وضوح تفاسیر آیات قرآن سازگار است	ممکن است تفاوت‌های ظریف میان نفس و روح را که در برخی آیات و روایات به آنها اشاره شده است، نادیده بگیرد.	
دیدگاه دوم: نفس و روح متفاوتند. برخی آیات قرآن به تفاوت نفس و روح اشاره دارند، مانند آیه ۷ سوره ق.	این دیدگاه می‌تواند فعالیت بدن در خواب را به خوبی توجیه کند. این دیدگاه با تاکید بر تفاوت نفس و روح، اهمیت تزکیه نفس را برجسته می‌کند.	در برخی روایات، نفس به قوای حیوانی و روح به قوای عقلانی و معنوی نسبت داده شده است.	این دیدگاه ممکن است برای عموم مردم پیچیده و دشوار باشد. در این دیدگاه، ممکن است تفاسیر مختلفی از مفهوم نفس و روح ارائه شود که باعث سردرگمی شود.

نتیجه گیری

چنانچه گذشت، مفهوم "توفی" در آیه ۴۲ سوره زمر به معنای "گرفتن کامل" است. این گرفتن کامل و تمام هم در مرگ با عبارت "حین موتها" و هم در خواب با عبارت "فی منامها" به کار رفته است. به این ترتیب "خواب" از جنس "مرگ" ولی شکل ضعیف تر از آن است. تحلیل های صورت گرفته نشان می دهد که خداوند جان ها را در هنگام خواب و مرگ می گیرد و همه چیز تحت تسلط و اراده الهی است.

این آیه علاوه بر بیان حقیقتی علمی و فلسفی درباره خواب و مرگ، دارای یک چالش اصلی در فهم با ابهامی در معنای دقیق "نفس" است. مفسران، متکلمان و فلاسفه در این باره دو دیدگاه اتخاذ کرده اند؛ گروه اول عالمانی چون مکارم شیرازی، علامه طباطبایی، ارسطو و ... هستند که نفس و روح را یکی دانسته و گروه دوم نیز طبرسی، آلوسی، ابن سینا و ... هستند که قائل به تفاوت نفس و روح گشته اند. قائلین و معتقدان هر گروه برای تأیید دیدگاه خویش ادله عقلی و نقلی نیز ارائه نموده اند. در نهایت با توجه به آنچه گذشت، درک عمیق و صحیح این آیه می تواند به تقویت ایمان و اعتقاد انسان به خداوند کمک کند و او را با دعوت به تفکر در معنای اصلی زندگی و حقیقت مرگ به هدف عالی خلقت، خودسازی و تعالی نفس رهنمون سازد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.

۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در علوم قرآن، قم: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۹۹.
۲. _____، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹.
۳. شاه‌عبدالعظیم، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران؛ آذرینیا، ۱۳۹۳.
۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲.ق.
۶. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عامل، بیروت؛ داراحیاء التراث العربی.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.ش.
۸. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸.
۹. _____، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم، موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۶۷.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰.